

Andreas von Bülow - In Namen des Staates  
آندراس فون بولو - به نام دولت (کشور)

Piper München Zürich

Andreas von Bülow متولد ۱۹۳۷ سال میلادی در شهر درسدن واقع در آلمان، از ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۶ عضو بوندستاگ (مجلس آلمان)، و همچنین عضو کمیسیون کنترل سرویس اطلاعاتی بود. از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ امنشی دولتی مجلس در وزارت دفاع، از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ وزیر پژوهش و فنون، از ۱۹۹۴ تا کنون وکیل دادگستری در بن.

## اقلیت های قومی

سازمانهای اطلاعاتی ابرقدرتها و همچنین قدرتهای قدیمی استعماری، از اقلیتهای قومی و اجتماعی برای تأثیر و تضعیف حریف استفاده می کنند. آنها از کوشش رهبرانشان برای خودمختاری و یا کشوری مستقل حمایت و گروهک های مسلح را درجنگشان با اسلحه، پول، آموزش، پند و عمل، کمک می کنند (۱). اقلیتهای با کمال میل دست نجات سازمان اطلاعاتی خارجی کشوری را میگیرند که با دولت کشور خود مشکل دارد، با شعار «حتی دشمن سیاست خارجه دشمن من، دوست من هست» (۲). مخصوصاً قدرتهای استعماری در تاکتیک تسلط ازین روش استفاده میکردند. برای صرفه جویی در کنترل یک منطقه بزرگ با جمعیت کثیر، یعنی بدون استفاده زیادی از سربازان خودی، همیشه برایشان مفید بود که از اقلیت مناسب و جنگجو در ارتش و پلیس مستعمره بهره بگیرند. به آنها همیشه اسلحه و دیگر اسباب قدرت برای کنترل کردن اکثریت مردم داده میشد، و اقلیت ها هم از لحاظ مادی و حفاظت شخصی به قدرت های استعماری وابسته میشدند.

در آخرین نزاع قومی در یوگوسلاوی سابق احساسات عمیق کینه اقلیت و اکثریتهایی که مدتها متصل به کنستانتینوپل/استانبول، وین/برلین، پاریس/لندن/واشینگتن بودند دوباره شعله ور شدند (یعنی اقلیت و اکثریت که وابسته به قدرتهای زمان بودند هردفعه با کمک و برانگیختن حس نفرتشان توسط قدرت های زمان به جان همدیگر می افتادند و دفعه آخر هم به احتمال زیاد همینطور بود. آرمین). اقلیتهای از خارج برای تحت تأثیر قرار دادن اکثریت مورد استفاده قرار می گیرند. اکثریت هم که تحریک شده با منزوی و طرد کردن و حتی کشتار قومیه اقلیت، انتقام می گیرد. جزء به جزء کردن بحران از خارج، تامین کردن آشتی ناپذیری، پاداش دادن برای بحرانی کردن وضعیت، زندگی در کنار یکدیگر را تحمل ناپذیر میکند. اگر از خارج دخالت نشود، شرکا می توانند با هم کنار بیایند. اکثریتهای دست و دل بازتر با اقلیتهای رفتار کنند و اداره خودشان را به آنها تحویل بدهند. اگر اقلیتهای صلحجویانه خواستار حقوقشان شوند، دولت مرکزی راحتتر خودمختاری بهشان می دهد و حقوق بشر را رعایت می کند. ولی شیوه فشار تقسیم کن و حکومت کن، «*divide et impera*»، از خارج ریشه صلح را نابود می کند.

یک مثال دیگر کردها هستند که هنگام جنگ جهانی اول انگلیس و فرانسه برای مبارزه با دشمن مشترک عثمانی به آنها قول یک کشور مستقل داده بودند. در سال ۱۹۱۸ سر قول خود نماندند. از آن زمان تاکنون این سرنوشت کردهاست که بعنوان اقلیت در ترکیه، عراق و ایران زندگی کنند و سازمانهای اطلاعاتی کشورهای همسایه و امروزه حتی آمریکا با موفقیت تحریکشان میکنند. با تحت فشار قرار دادن گروه های کرد که با هم اختلاف دارند به نفع و بر ضد ترکیه، عراق، ایران، سوریه و شوروی استفاده میشد و میشود. جای تعجب نیست اگر اینجا سازمانهای اطلاعاتی مثل سیا و موصاد با پول، تعلیم و اسلحه دست اندر کارند. در دهه هفتاد در بحبوحه اختلافات مرزی ایران زمان شاه با عراق، سازمانهای اطلاعاتی آمریکا سالانه با ۱۶ میلیون دلار به قسمتی از کردها کمک میکردند، رزمندگان را تعلیم میدادند، آنها را مسلح کرده و در بیکار با بغداد همراهی میکردند. تا اختلاف بین ایران و عراق تمام شد، پرداخت پول را قطع

کردند و بدینوسیله هستی مادی و تا حد زیادی فیزیکی «مبارزان آزادیخواه» را نابود کردند. ایران ناگهان مرز های خود را برای عقب نشینی «شورشیان» بست، و این عمل منجر به قتل هزاران مبارز شد و ۲۰۰ هزار آواره مجبور به ترک کردن کشور شدند (۳). وقتی در مورد وظیفه اخلاقی یک ابر قدرت مخاطب قرار گرفت، هنری کیسینجر معتقد بود، نباید عملیاتی مخفی را با کار مبلغین مذهبی اشتباه گرفت (۴). هر قصد بعدی برای نجات متحدین جنگ مخفی توسط معامله یا قراردادی، قربانی سیاست روزانه آن زمان شدند (۵).

ارتش عراق در سال ۱۹۹۶ میلادی در استانهای شمالی بر ضد کردها اقدام نظامی کرد و بدینوسیله یک عملیات کردها که سازمان سیا با ۱۰۰ میلیون دلار تامین مالی کرده و بر ضد صدام حسین در موضع قرار داده بود، منجر به شکست کرد (۶). فقط عدهء محدودی توانستند نجات داده شوند.

اینکه چطور تحریک و بازی دادن اقلیت ها توسط سازمانهای اطلاعاتی میتواند ناگهان برای سیاست داخلی آلمان موثر بشود، مثال تامیلاها، یک اقلیت شورشی در جزیره سریلانکا، نشان میدهد. اواسط دهه هشتاد هواپیماهای اینتر (Inter) و آروفلوت (Aeroflot)، شرکتهای هواپیمایی بلوک شرق) تامیلاها را به فرودگاه شونهفلد (Schönefeld) در برلین شرقی می آوردند و از آنجا به برلین غربی برای درخواست پناهندگی قاچاق میکردند. وقتی که هیجان عموم بخاطر تعداد زیاد تامیلاها که از مرز میانشهری برلین، که در قسمت غربی کنترل نمیشد، به آلمان فدرال می آمدند، شدت گرفت، شویبله (Schäuble) که در آن زمان مدیر دفتر نخست وزیری بود، به شالک (Schalk)، همپای خود در آلمان شرقی گفت: «همه میدانند و جزو اسرار به حساب نمیاید که اتحادیه احزاب دمکرات مسیحی/ سوسیال مسیحی (CDU/CSU) مشکل حق پناهندگی را در تبلیغات انتخاباتی بعنوان موضوع انتخاب خواهند کرد.» شویبله برای شالک بی پرده فاش ساخت: «اگر بتوسط این ماجرا و شاید با حمایت آلمان شرقی موفق بشویم که سوسیال دموکرات ها را به تغییر دادن قانون اساسی راضی کنیم، میتوانیم با تغییر حقوق پناهندگی در آلمان فدرال، مشکل را حل نماییم.» جالبتر اینجاست که در سریلانکا موساد هم تامیلاها را راهنمایی و مسلح میکرد، هم دولتی را که بیرحمانه بر ضد آنها اقدام میکرد. ایالات متحده به دولت اسلحه های ویژه برای سرکوبی شورش تحویل میدادند، مخصوصاً هواپیماهایی که آهسته پرواز میکردند، از آنها میشد به شورشیان شلیک و آنها را با ناپالم بمباران کرد. غیر از این به دولت سریلانکا مشاورین ویژه و سربازان مزدور معرفی میکردند. سخن از لشکرکشی منظم برای قلع و قم کردن شده است. موصاد و سیا بایستی در این عملیات با همدیگر کار کرده باشند، برای اینکه گروه موصاد میبایست مخفیانه از مرکز سیا کار خود را انجام میداد. تامیلاها به هندوستان، در جایی که آنها یک اقلیت مهم منطقه ای به شمار می آیند، دسته جمعی فرار میکردند. گزارش میدهند که در آنجا هم سیا اقلیت را به شورش بر علیه دولت مرکزی تحریک میکرد (۷) (فقط دقت کنید که اول به دولتی کمک میکنند تا مردم خود را سرکوب کند و فراری دهد و بعد در کشور دیگر از این فراریان برای تضعیف دولت استفاده میکند. آرمین). در آلمان بالاخره برای تغییر حق پناهندگی مورد استفاده قرار گرفتند.

جدیدترین مثال برای سوءاستفاده از اقلیتها، قتل عام توتسی ها و هوتوها توسط یکدیگر در رواندا و بوروندی هست که در آنجا فرانسه و آمریکا با کمک اقلیتها و سربازان مزدور از آفریقای جنوبی و صربستان بر سر نفوذ، نفت، طلا، مس و مواد اولیه دیگر آفریقا یک جنگ مخفی راه انداخته اند (۸).

از زمان رایش سوم (قلمرو سوم) این مثالها وجود دارند: استفاده منظم و اصولی از اقلیت ها برای همکاری با ارتش و اس اس در تمامی شوروی و اروپای شرقی، هدایت اقلیت های آلمانی در چکسلواکی سابق. هنلین (Henlein) رییس آلمانی های سودت (Sudetendeutsch) بعنوان عضو اس اس برای مقابله بدون مصالحه با اکثریت چکی نگه داشته شده بود که سرانجامش تصفیه قومی ناحیه بعد از شکست آلمان بود. تاریخ در فن کاربرد قدرت از یک طرف و تسلط، چه پارسی، رومی، بریتانیایی، فرانسوی، آلمانی و یا در حال حاضر آمریکایی، از طرف دیگر تکرار میشود. ابزار سرویس های مخفی شبیه هم میمانند. نتایج هم تا امروز حساب شده هستند.

(۱) درباره هدف دستکاری عملکردهای اقلیتها مراجعه شود به:  
Richard Bissell, Dirty Work 2 (رئیس قسمت عملیات پنهانی سیا)

(۲) چند مثال: CAIB 29 (Covert Action Information Bulletin) Page 49  
Hugh Deane, The Cold War in Tibet; گروه‌های آدمکش خمر سرخ،  
Philip Agee CAIB 29 page 66 مقایسه شود با

(۳) مقایسه شود با CIA The Pike Report page 17 & 196

(۴) Pike Report page 17

(۵) کمیسیون پایک تمام ماجرا را یک اقدام بدبینانه نامید.  
CIA The Pike Report page 198

(۶) Spies Like Us, The Nation, 07.10.1996  
Andrea Böhm, CIA gegen Saddam: Viel Geld für nichts, taz,  
;16.09.1996

R. Jeffrey Smith, CIA Abandoned Kurd Clients, NHT,  
09.09.1996; NHT, 16.09.1996

(۷) مقایسه شود با: Ben-Menache, Profits of war, page 318  
همچنین Ostrovsky, Geheimakte Mossad, seite 53  
همان کتاب صفحه ۱۷۲: عملیات موصاد از میان یک ایستگاه سیا و با همکاری یک  
هیئت اعزامی آمریکایی برای سعی در ربودن رهبران تامیل با مأموریت دولت  
سريلانکا. عنوان انگلیسی کتاب: The Other Side of Deception  
Richard Greenberg, Sri Lanka Lurches Toward Civil War, The  
Nation, 30.11.1985; Washington Times, 22.10.1994  
مزدور انگلیسی، که قبلاً جزو واحد ویژه ارتش بریتانیا (S.A.S Special Air  
Service) بودند، ارتش دولتی بیرحم را درباره شیوه های «لازم» شکنجه تعلیم  
میدادند.

تامیلها یک گروه ده هزارنفره را در لبنان تعلیم دادند که خرجش را که پرداخت نامعلوم  
است. درباره تأمین مخارج توسط قاچاق هروئین مراجعه شود به:

Sri Lanka: The Tigers and Heroin Money, The Drug Dispatch,  
No. 64

India: The Tamil Nadu Connection, The Drug Dispatch, No. 69

(۸) زمینه سازمان سیا در نیمه دوم دهه ۷۰ میلادی  
Rene Lemarchand, The CIA in Africa: How Central? How ?  
Intelligent  
Alex Beam, Kissinger, Upstairs-Downstairs, The Nation,  
15.10.1977

ترجمه: آرمین گیلِه مرد

<http://gilehward.blogspot.com>

ویرایش: بیانته آ

<http://ghorbatestan.blogspot.com>